

نگاهی تطبیقی به مضامین تعلیم و تربیت آینده‌گرا و مؤلفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

taghavinasab.n@gmail.com

سیده‌نجمه تقوی‌نسب / دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

محمدحسن کریمی / استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵

چکیده

این پژوهش به هدف ایجاد درکی دقیق از واقعیت‌های جهانی و پیش‌رو در حوزه آموزش و پرورش، از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا، انجام شده است. در این راستا سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، از جهت میزان توجه آن به چالش‌ها و الزامات آینده بررسی شده است. بنابراین، در مرحله اول، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی عرفی، چهار مضمون سازمان دهنده، در قالب الزامات آموزشی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی و ساختاری، از جامعه آماری موردنظر، استخراج شدند. در مرحله بعد، با استفاده از تحلیل محتوای کمی و کیفی، میزان مطابقت سند تحول با چارچوب به‌دست‌آمده، بررسی شد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در این سند معنایابی و شناخت صحیح ارزش‌ها، مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ اما نگاه آینده‌گرایانه نسبت به زمینه‌های مختلف، از جمله زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی، کم‌رنگ است. بنابراین، لازم است که برای توسعه مهارت آینده‌نگری در دانش‌آموزان و معلمان و تقویت چشم‌انداز آینده‌نگر در سند تحول، راه‌کارهایی در نظر گرفته شوند.

کلیدواژه‌ها: اولین تافلر، بازسازی اجتماعی آینده‌گرا، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت.

یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های امروزه مسئولین و سیاست‌گذاران عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی هر کشور، آمادگی در برابر بحران‌هایی است که ممکن است در آینده بروز کند. آگاهی نسبت به آینده، به آنان کمک خواهد کرد تا بتوانند با در نظر گرفتن تغییرات و تحولات سریع و پیش‌بینی آینده، برای چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، برنامه‌ریزی کنند و سازوکارهای لازم را جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای احتمالی آماده سازند. بازسازی اجتماعی با توجه به تأکیدی که بر آینده دارد، از جمله رویکردهایی است که می‌تواند تصویری از آینده به دست دهد، و قادر به پیش‌بینی طرح‌هایی برای درگیر کردن افراد با واقعیت‌های جامعه است (رایشنبرگر، ۲۰۰۵). توجه به امکانات پیش‌رو، به‌همراه پیش‌بینی نیازهای افراد با توجه به روند رو به‌رشد آینده، از اهداف بازسازی اجتماعی آینده‌گراست. در بین طیف‌های گسترده بازسازی اجتماعی، رویکرد آینده‌گرایی به وضعیت جامعه در آینده توجه خاصی دارد و در تلاش است تا خط سیر تحولات اجتماعی و تکنولوژیک را پیش‌بینی کند. هدف این رویکرد، کاستن فاصله بین تحول تکنولوژیک و سازگاری با آن و تجهیز انسان‌ها به دانش کنترل و هدایت تحولات می‌باشد (گوتک، ۱۳۸۸، ص ۴۶۴). آلین تافلر (۲۰۱۶-۱۹۲۸) پیشگام معروف رویکرد آینده‌گرایی است. به‌نظر وی وضعیت و الزامات آینده ضرورتاً شکل خواهند گرفت (استراترن، ۲۰۰۷). تافلر نویسنده کتاب‌های معروف **شوک آینده**، **موج سوم**، و **تغییر ماهیت قدرت** است. محور اصلی این کتاب‌ها توجه به مسئله تغییرات آتی است. او در کتاب **موج سوم**، تاریخ تمدن بشر را به سه موج: موج اول، عصر کشاورزی، موج دوم، عصر صنعتی و موج سوم، مبتنی بر اطلاعات و تکنولوژی‌ها تقسیم کرده است. وی معتقد است چون ورود به موج سوم همه‌چیز را عمیقاً دگرگون می‌سازد؛ بنابراین لازم است که افراد جوامع مختلف از قبل برای رویارویی با این تغییرات آماده باشند. به‌عقیده وی، در حال حاضر دانش و فناوری دو عامل قدرتمند در تسهیل تغییرات جامعه به سوی موج سوم از تحولات جدید هستند (زکریا، ۲۰۱۲). تافلر آینده را از زوایا و ابعاد متفاوت اجتماعی، از جمله آموزش و پرورش، مورد بررسی قرار داده است. او افزون بر اینکه به صورت پراکنده در آثار خود به مسئله آموزش آینده پرداخته است، با تألیف کتابی با عنوان **یادگیری برای فردا: نقش آینده در تعلیم و تربیت** تا حدودی رویکرد خود را درباره اهمیت توجه به آینده در فرآیندهای تربیتی بیان داشته است. تألیف و چاپ این کتاب حاکی از اهمیتی است که تافلر برای آموزش و پرورش آینده قائل است. او در این کتاب نگرانی خود را نسبت به آینده تعلیم و تربیت بیان می‌کند، و با آگاهی از نقش مدارس امروزی در جریان تغییرات جامعه، به دنبال ترویج راه‌هایی است که تفکر آینده‌نگری را تقویت بخشد. تافلر درباره تعلیم و تربیت و آینده، معتقد است که آموزش و پرورش همواره در بطن جامعه ایجاد می‌شود. تقاضا و نیازهای آموزشی هر دوره از تمدن، متناسب با منابع مالی و انسانی همان دوره، تغییر می‌یابد. وضعیت جامعه در آینده، کل نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تافلر ۱۹۷۴، ص ۱۲۰). لذا آموزش و پرورش هر دوره در راستای وضعیت و مختصات آن دوره خواهد‌ناخواه در معرض تغییرات اجتناب‌ناپذیر قرار خواهد گرفت. مدارس امروز نیاز به مهارت‌های خاصی جهت رویارویی با تغییرات آینده و مشارکت فراگیران در حل بحران‌های جامعه

دارند. توجه به این نکته ایجاب می‌کند که نقش و معیارهای کنونی مدارس مورد بازسازی قرار گیرند (فاکر، ۲۰۱۱، ص ۱۳۴). ازجمله دلایل موفق نبودن آموزش و پرورش در عصر حاضر، فقدان زیرساخت‌های مناسب برای تطبیق و هماهنگ‌سازی خود با پیشرفت‌های علمی جهان در حال تغییر است (کاشانی و پوشنه، ۱۳۹۲). بنابراین برای طراحی، سیاست‌گذاری، و برنامه‌ریزی نظام‌های آموزشی فردا، یا حتی امروز، باید به واقعیت‌های آینده توجه شود. بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد با ایجاد درک دقیقی از واقعیت‌های جهانی حال و آینده در حوزه آموزش و پرورش، به بررسی مسائل آینده تعلیم و تربیت در ایران بپردازد.

اهمیت و ضرورت مسئله

نیاز به بازاندیشی در تعلیم و تربیت، با مطالبات و ماهیت عصر اطلاعات منطبق است؛ و همین امر، اندیشه متخصصان را به سوی تحول و اصلاح نظام آموزشی سوق می‌دهد (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). تغییرات سریع و گسترده، بسیاری از روش‌های آموزش و پرورش را زیر سؤال برده است؛ چراکه این ساختارها توانایی خود را برای انطباق با نیازهای جدید جوامع از دست داده‌اند (بارو، ۲۰۰۶، ص ۹). به همین دلیل آموزش و پرورش دیگر نمی‌تواند بر اساس نقش‌های سنتی خود، پاسخ‌گوی نیازهای جدید جامعه باشد. بنابراین، به‌عنوان یک نظام برای بهبود خود، نیاز به تغییر و نوآوری دارد (چنگ، ۲۰۱۱؛ تالنت، ۲۰۰۷؛ هیکس، ۲۰۱۲). به همین دلیل برای یک نظام تربیتی ضروری است که خود را برای حضور در موج سوم و تغییرات پیش‌رو و پیامدهای بعد از آن، آماده سازد. هرگونه برنامه‌ریزی بدون توجه به اثرات تغییر و تحولات در حال و آینده به نتیجه نخواهد رسید. برای روبه‌رو شدن با این تغییرات، لازم است که نهادهای تربیتی با روند و جهت کلی تغییر در آینده‌آشنایی داشته باشند. ایجاد تحول نیازمند فراهم آوردن بسترها و امکانات لازم برای انتقال از نظام پیشین به نظام جدید است (مرزوقی، ۱۳۹۴، ص ۱۳). ازجمله موضوعات مهم در بسترسازی برای ایجاد تحول، توجه به مقوله چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش و پیش‌بینی وضعیت آینده و نیازهای مربوط است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی، و با توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴، تدوین گردیده است. طرح تدوین سند تحول بنیادین در افق چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسید. این سند در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش است. اما همواره در تدوین و طراحی هشتم سند تحول بنیادین به ترمیم و به‌روزرسانی آن؛ همچنین اشاره بند بیست و دوم سند تحول به انجام مطالعات راهبردی آینده‌نگر در آموزش و پرورش و تدوین برنامه‌های آینده‌پژوهانه و اجرای آن، حاکی از اهمیت و ضرورت بازنگری و تکمیل سند در بازده‌های زمانی مشخص شده است. در ارتباط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است؛ که ازجمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین (سبحانی‌نژاد و نجفی، ۱۳۹۶)، تحلیل و نقد نظری و

روش‌شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش (مرزوقی و دیگران، ۱۳۹۵)، هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (رهبری و دیگران، ۱۳۹۴)، الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش (ادهم، ۱۳۹۱)، جایگاه نظارت و راهنمایی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (بذرافشان و دیگران، ۱۳۹۴). در بین تحقیقات و پژوهش‌هایی که به نقد و بررسی سند تحول بنیادین از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند، پژوهشی که از نگاه آینده‌گرایی این سند را مورد بررسی قرار داده باشد، مشاهده نگردید. با توجه به اهمیت ملاحظه وضعیت تعلیم و تربیت آینده در تدوین اسناد بالادستی، هدف پژوهش حاضر کاوش سند تحول از جهت میزان توجه به چالش‌ها و الزامات آینده، بر اساس رویکرد آینده‌گرایی است.

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع چند روشی کیفی است. در ابتدا برای کشف ویژگی‌های تعلیم و تربیت آینده از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این روش تحقیق، برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و مضمون‌سازی، مناسب است (ایمان، ۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی تلاشی فراتر از شمارش واحدهای متنی است. آنچه در این نوع تحلیل مهم است، نحوه ارزیابی و تفسیر داده‌هاست (بروس و برگستون، ۲۰۱۷، ص ۲۶). در این پژوهش، تحلیل محتوای مورد استفاده، عرفی یا متعارف است که معمولاً در مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵). سپس در بخش دوم، همراه با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و کمی، به ارزیابی سند تحول بنیادین بر اساس چارچوب طراحی‌شده، پرداخته شده است. جامعه آماری مورد پژوهش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب‌ها، مصاحبه‌ها و مقاله‌های آلوین تافلر در حوزه‌های مختلف بوده است.

الزامات و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت آینده

پس از بررسی منابع و فرایند تحلیل محتوا، در این پژوهش الزامات و بایسته‌های تعلیم و تربیت آینده در قالب چهار مضمون سازمان‌دهنده، به همراه مضامین کلیدی مرتبط، به شرح زیر مشخص شدند: ۱. الزامات آموزشی؛ ۲. الزامات اجتماعی و فرهنگی؛ ۳. الزامات فردی؛ ۴. الزامات ساختاری؛ که در جدول شماره ۱ به این موارد اشاره شده است. سپس با توجه به مضامین پایه الزامات تعلیم و تربیت آینده، سند تحول بنیادین، مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۱. الزامات نظام تعلیم و تربیت آینده از منظر رویکرد آینده‌گرایی

سازمان‌دهنده	مضامین پایه
الزامات آموزشی	توسعه محیط‌های هوشمند، محتوای سفارشی، توسعه نیروی انسانی تسهیل‌گر، آموزش کاربردی و مهارت‌محور، آموزش بر پایه نیازها و خدمات جدید، فرآیند یادگیری مداوم، رصد تغییرات، آموزش چندرسانه‌ای، انعطاف زمانی، انعطاف مکانی
الزامات فردی	توان خودراهبری و تصمیم‌گیری، مهارت‌های تفکر، هویت‌یابی، اوقات فراغت، معنایابی و ارزش‌شناسی، سواد رسانه‌ای

مضامین پایه	سازمان‌دهنده
تعاملات جهانی، تکرر و تنوع فرهنگی، تعلقات اجتماعی، تحکیم خانواده، حقوق شهروندی، کسب مهارت‌های زیست‌محیطی	الزامات اجتماعی فرهنگی
تمرکززدایی، انبوه‌زدایی و انعطاف‌پذیری	الزامات ساختاری

۱. الزامات آموزشی آینده

شرایط کلی به‌وجود آمده در موج سوم، نیازهای ویژه‌ای را برای تعلیم و تربیت آینده به‌دنبال خواهد آورد. محیط‌های آموزشی با سرعت به سوی فناوری و تکنولوژی‌های پیشرفته کامپیوتری و دیگر تجهیزات فنی، پیش می‌روند. در محیط‌های فوق‌هوشمند آینده، کوشش‌های بدون فکر برای جلوگیری و متوقف کردن فناوری‌ها و پیرانگر است (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۲۱۸). گستردگی و رشد فضاهای مجازی، امکان انتقال آموزش به خارج از مدرسه را خواهد داد. در آینده، آموزش از انحصار دیوارهای مدرسه خارج خواهد شد؛ و از طریق کانال‌های متعدد و محیط‌های هوشمند به خانه‌ها منتقل می‌گردد. این حالت به نوعی، برگشت به پدیده آموزش و پرورش در خانه است (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۲۱۸). کوتاه شدن دوران آموزش اجباری در آینده نیز از دیگر خصوصیات تعلیم و تربیت موج سوم است. وی معتقد است که سیستم‌های آموزش همگانی در مدرسه تا حد زیادی منسوخ خواهد شد (تافلر، ۱۹۹۱، ص ۴۰۳). با گسترش کلبه الکترونیک، پدیده آموزش در خانه شکل خواهد گرفت. به دلیل وجود نیازهای متفاوت، آموزش آینده، از تولید روش‌های همسان به سمت سفارشی شدن، و از وقت‌شناسی عام موج دوم به وقت‌شناسی اختیاری، پیش خواهد رفت (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۴۶ و ۰۵). با توجه به رشد عظیم رشته‌های علمی جدید در راستای صنایع موج سومی اعم از صنایع الکترونیک، فضایی، دریایی و صنایع بیولوژیک، نظام تعلیم و تربیت آینده باید خود را برای پرورش نیروهای کار در این عرصه‌ها آماده سازد. از دیگر شاخص‌های مهم تعلیم و تربیت آینده، توجه به مفهوم یادگیری مداوم و پایدار است. تافلر حرکت دوران موج سوم را از مرحله اطلاعات به سمت دانایی و دانش، چگونگی تبدیل داده‌های کمی به اطلاعات کیفی از طریق ارتباط برقرار کردن و انسجام بخشیدن به آنها، و سپس قرار دادن این اطلاعات در چارچوب‌های بزرگ‌تر و ایجاد طرح‌های جدید و تصاویر نو می‌داند (تافلر، ۱۹۹۵، ص ۵۰). وی معتقد است بعد جدید و نیرومند آموزش و پرورش آینده، تعلیم چگونه بیاموزند و چگونه نیاموزند و چگونه بازآموزی کنند، به فراگیران است (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۵۱؛ همو، ۱۹۸۹، ص ۲۱۱). همچنین وی پیشنهاد برنامه‌های بین‌المللی و آموزشی برای معلمان و تبادل نظر با کشورهای مختلف را مطرح می‌کند (تافلر، ۲۰۰۶). به عقیده او بهترین کارمندان آینده، افرادی هستند که از اوضاع دنیا در برابر تحولات آینده، آگاه هستند و معلمان نیز باید با ایفای نقش تسهیل‌گری به دانش‌آموزان کمک نمایند تا تغییرات و تحولات آینده را بهتر بشناسند.

۲. الزامات فردی آینده

تغییرات سریع و پرشتاب که به سرعت در حال شکل‌گیری هستند، سبب می‌شوند که محیط اطراف، بیش از پیش آشفته و خارج از کنترل به نظر برسد. در چنین حالتی، اگر اشخاص نتوانند خود را با واقعیات تطبیق دهند، پدیده

از خودبستگی به‌طور ناخودآگاه در آنها شکل می‌گیرد (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۰۷). به عقیده تافلر انسان‌های آینده به‌طور مداوم در معرض سبک‌ها و خرده‌کیش‌هایی که به‌طور مداوم در تغییرند، قرار می‌گیرند که این امر سبب تغییر مکرر هویت افراد می‌شود (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۱۵۷؛ همو، ۱۹۸۹، ص ۱۲۴). برای حل این بحران‌ها لازم است، افراد جایگاه خود را در سطح وسیع و کلی‌تر پیدا کنند و معنای زندگی خود را با دیدگاه‌های فراگیر جهانی پیوند دهند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۳۷۸). بنابراین، کمک به افراد در معنایی و بازگشت به ارزش‌های انسانی، از الزامات زندگی آینده است. تافلر بر مهارت‌های مهمی، از جمله تصمیم‌گیری، نگرش سیستمی، داشتن تفکر کل‌نگر، مهارت معنایی و مهارت خودمهاونگی، برای حضور اشخاص در جامعه آینده، تأکید کرده است. لازم است که نظام آموزشی با ایجاد فرصت‌های مختلف، این مهارت‌ها را در مخاطبان افزایش دهد. اوقات فراغت افراد، در آینده از مفهوم جدیدی برخوردار خواهد شد. جهت‌گیری جامعه از سمت کار، به اوقات فراغت پیش می‌رود (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۵۱). بنابراین، این‌دو، دیگر رودرروی هم نیستند و با هم عجین خواهند شد. در ارتباط با رسانه‌ها، تافلر نادیده گرفتن روابط میان نظام آموزشی آینده و نظام رسانه‌ای موج سوم را فریب دادن فراگیران می‌داند (تافلر، ۱۹۹۱، ص ۴۰۷). در آینده، با کم‌رنگ شدن نقش رسانه‌های انبوه موج دوم، از یک‌سو ارسال پیام‌های واحد توسط رسانه‌های همگانی و خاص، پاسخ‌گوی نیازهای مخاطبان نخواهد بود، و از سوی دیگر با گسترش سریع ارتباطات، که از مشخصه‌های بارز موج سوم است، افراد با انتخاب‌های متنوع و الگوهای رفتاری متعدد روبه‌رو می‌شوند. در برخورد با این وضعیت، دانش‌آموزان نیازمند مهارت‌های جدیدی مانند سواد و آگاهی رسانه‌ای هستند. بنابراین، در نظر گرفتن وضعیت رسانه‌های آینده، به همراه توانمندسازی مخاطبان در برنامه‌های آموزش و پرورش، لازم و ضروری است.

۳. الزامات اجتماعی، فرهنگی آینده

به دلیل فرآیند جهانی‌شدن و افزایش تنوع فرهنگی، فضای تربیتی آینده به تعامل و تبادلات فرهنگی با کشورهای مختلف نیازمند است؛ و لازم است که آموزش و پرورش، در سطح جهانی خود را برای آینده آماده کند. یکی از نیازهای ویژه افراد آینده، کسب مهارت‌هایی چون چگونگی حضور در فضاهای ارتباطی و عرصه جهانی است. جامعه آینده، به تفاوت‌های فردی امکان ظهور می‌دهد و تنوع نژادها، خرده‌فرهنگ‌ها و مذاهب را خواهد پذیرفت (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۳۵۸).

به نظر تافلر افراد آینده با آگاهی از تفاوت‌های قومی، مذهبی، حرفه‌ای، جنسی، فرهنگی و فردی خود، به محیط کار و جامعه وارد می‌شوند و مایل‌اند که این ویژگی‌ها را حفظ کنند (تافلر، ۲۲۱، ص ۱۹۸۱). به دلیل گسترش این تعاملات، برقراری ارتباطات صحیح یکی از مهارت‌های مهم مورد نیاز جوامع فراصنعتی خواهد بود (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۰۹ و ۳۶۷). مخاطبان تعلیم و تربیت آینده، به آموزش مهارت‌های ارتباطی، فعالیت‌های گروهی، تأکید بر وظایف عمومی و ایجاد حس تعلق اجتماعی و احساس مسئولیت در قبال دیگران نیازمندند (همان، ص ۳۵۸). در این میان تعلقات اجتماعی باعث تقویت روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌شود.

تافلر معتقد است که جهان در دهه‌های آینده با مسائل گیج‌کننده و تازه‌ای، از جمله فاجعه جهانی زیست‌محیطی روبه‌رو خواهد شد (همان، ص ۳۳۰). به نظر وی در سراسر جهان، موج سبز رنگ نهضت هوادار سلامت محیط‌زیست در پاسخ به فجایع جامعه صنعتی در حال شکل‌گیری است و جهان با نوعی حمایت زیست‌بومی معنوی روبه‌رو می‌شود (تافلر، ۱۹۹۱، ص ۴۱۵). برای حفاظت از محیط‌زیست، لازم است دانش‌آموزان نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساس شوند و تعهد عملی در آنها به‌وجود آید.

تافلر دربارهٔ خانواده در موج سوم، از یک‌سو تنوع ساختار خانواده را پیش‌بینی می‌کند، و به‌نظر او خانواده در موج سوم به‌سمتی می‌رود که انواع مختلف زندگی، اعم از: تک‌والدی، مجردی، خانواده هسته‌ای و... را دربر می‌گیرد؛ اما از سوی دیگر بر تمایل جوامع آینده به بازگشت به خانواده تک‌هسته‌ای و گستردهٔ موج اول هم تأکید می‌کند (تافلر، ۱۹۸۹، ص ۲۱۵). در این میان، حفظ نهاد خانواده از چالش‌های موجود بر سر راه تعلیم و تربیت آینده است.

۴. الزامات ساختاری آینده

در آینده، الگوهای زمانی، مکانی و ساختار آموزش رسمی تغییر خواهد کرد. حذف دیوارهای میان مدرسه و اجتماع، آموزش متحرک و جابه‌جایی مکان آموزش، لزوم تغییر در ساختارهای موجود را ایجاب می‌کند. بنابراین، باقی ماندن در ساختارهایی که پاسخ‌گوی نیازهای عصر صنعتی است، می‌تواند یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش و پرورش آینده باشد. به‌نظر تافلر هم‌زمان‌سازی، همسان‌سازی، تمرکزگرایی و سلسله‌مراتب از پیش‌فرض‌های ساختارهای جامعه صنعتی هستند. در آینده به‌دلیل تنوع شرایط و تفاوت‌های موجود، دولت‌ها ناچارند که به عدم تمرکز و خصوصی‌سازی روی آورند (همان، ص ۲۶۸).

هنگامی که از تمرکززدایی صحبت می‌شود، منظور محدودۀ ساختاری، اجرایی و مدیریتی نیست؛ بلکه باید همه عناصر و مؤلفه‌های دیگر، از جمله روش‌ها و محتوای برنامه‌های درسی را نیز در نظر گرفت. با وجود تأکید بر خودگردانی فعالیت‌های فرهنگی- تربیتی توسط مدارس، به‌دلیل متمرکز بودن ساختار مدیریت نظام آموزش و پرورش، هرگونه تغییر در محتوای برنامهٔ درسی، مستلزم تصمیماتی است که باید در سطح کلان اتخاذ شود و مدارس نهادهای استانی، اختیارات لازم و قانونی را برای این تغییرات ندارند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵). از دیگر ویژگی‌های سازمان‌های آینده، انعطاف‌پذیری است (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۲۰۸). ساختارهای سازمانی آینده، به‌ویژه در بعد آموزشی، باید منعطف باشند و زمینهٔ مساعدی برای بازسازی روش‌ها، تجارب آموزشی، محتوا و دیگر فعالیت‌های تربیتی فراهم کنند.

یافته‌های پژوهش

تطبیق مؤلفه‌های آینده با سند تحول بنیادین

میزان مطابقت سند با چارچوب به‌دست‌آمده الزامات آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، فردی و الزامات ساختاری آینده، پس از بررسی‌های به‌دست‌آمده در جداول زیر نشان داده شده‌اند:

جدول ۲: الزامات آموزشی از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا در سند تحول بنیادین

محتوای سفراترشی	توسعه محیط‌های هوشمند	توانمندسازی نیروی انسانی تسهیل‌گر	آموزش کاربردی و مهارت‌محور	آموزش بر پایه نیازها و خدمات جدید	انعطاف زمانی	انعطاف مکانی	آموزش چندرسانه‌ای	رصد تغییرات
۳	۷	۸	۵	۳	۲	۳	۴	۳
فراوانی	۷/۸	۲۱	۱۳/۱	۷/۸	۵/۲	۷/۸	۱۰/۵	۷/۸
درصد	۷/۸	۱۸/۴	۱۳/۱	۷/۸	۵/۲	۷/۸	۱۰/۵	۷/۸

این جدول نشان می‌دهد که از بین الزامات آموزشی، توانمندسازی نیروی انسانی تسهیل‌گر و توسعه محیط‌های آموزشی هوشمند در بین سایر گزینه‌های آموزشی، بیشترین فراوانی را داشته است. در سند تحول، بر معلم‌محوری و نقش الگویی معلمان، تأکید شده است؛ اما این مورد نباید به‌گونه‌ای باشد که عاملیت دانش‌آموز به حاشیه رانده شود و نقش آمرانه معلم پررنگ شود. باید در نظر داشت که تأکید زیاد بر نقش الگویی معلم می‌تواند آسیب‌های تربیتی، از جمله مغایرت بین عمل و حرف الگوها، و در نتیجه بی‌اعتمادی فراگیران را نیز به دنبال داشته باشد. توانایی آینده‌نگری و داشتن انعطاف در برابر رویدادهای آینده، از دیگر نیازهای معلمان است که در راهکارهای سند اشاره‌ای به این توانمندی نشده است. در سند تحول، مفهوم یادگیری مداوم، تنها در یک مورد هدف ۱۸/۲ (اعداد سمت راست، به شماره راهکار و اعداد سمت چپ به هدف عملیاتی اختصاص دارد)، به‌عنوان مهارت حرفه‌ای برای معلمان آمده است. در سند تحول به راهکارهایی از جمله تنوع محیط‌های یادگیری، ایجاد شبکه‌های پژوهشی فعال و تولید محتوا اشاره شده است؛ اما در این راهکارها بیشتر به ساختارهای فیزیکی، اعم از مراکز و مکان‌های آموزشی، توجه شده است. در ارتباط با محیط و مکان مجازی، در هدف ۱۷/۴، فقط به آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در مورد معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور، اشاره شده است. گرچه در سند تحول بر گسترش حرفه‌ها و مهارت‌های موردنیاز جامعه و انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در همه دوره‌های تحصیلی اشاره شده است؛ اما به‌نظر می‌رسد صرفاً استعداد و توانایی کنونی دانش‌آموزان مدنظر بوده است، و به‌رصد نیازهای آینده اشاره‌ای نشده است. در سند تحول، در اهداف کتاب‌های درسی، تأکید شده است که با توجه به تمرکز و استانداردهای یکسان نظام آموزشی ایران، چگونگی انجام راهکارهای ارائه‌شده مربوط، مبهم به‌نظر می‌رسد. سند تحول در هدف ۲۱/۶، انعطاف در زمان را فقط برای تعیین و متناسب‌سازی، ساعات آموزشی با روزهای هفته را تنها جهت طراحی تقویم سال تحصیلی و بهینه‌سازی تعطیلات به کار برده است. انعطاف مکانی نیز تنها دربرگیرنده نظام مکان‌یابی مدارس با توجه به تحولات جمعیتی ناظر به پنجاه سال آینده، و همچنین متناسب‌سازی فضاهای موجود با توجه به نیازها و جنسیت دانش‌آموزان است، که تداوم این امر، ساختار زمانی و مکانی انعطاف‌ناپذیر و متمرکز فعلی را غیرقابل تغییر می‌کند.

جدول ۳: الزامات فردی از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا در سند تحول بنیادین

توان خودراهبری و تصمیم‌گیری	پرورش مهارت‌های تفکر	هویت‌یابی	اوقات فراغت	معنایابی و ارزش‌شناسی	سواد رسانه‌ای
۱	۲	۶	۳	۱۰	-
۴/۳	۸/۶	۲۳	۱۳/۴	۴۳/۴	-

با توجه به جدول ۳، از بین الزامات فردی، بر زمینه‌های مساعد جهت معنایابی و شناخت صحیح ارزش‌ها تأکید زیادی شده است و نزدیک به نیمی از گزاره‌های الزامات فردی به این مورد اختصاص یافته است. اما نکته قابل اهمیت در این میان، چگونگی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش این صفات است. در سند تحول، بر فراهم کردن زمینه‌های مساعد معنایابی و شناخت صحیح ارزش‌ها - که به شکل دستوری و در راستای آماده‌سازی شرایط بیرونی است - تأکید فراوانی شده است. در ارتباط با هویت‌سازی، سند تحول بر جنبه جمعی هویت، از جمله هویت دینی، ملی و جنسیتی تأکید دارد. در راهکارهای مرتبط با شکل‌گیری هویت‌ها، جنبه نظارت و دستورات بیرونی، نسبت به فعال بودن فرد، نقش غالب و پررنگ‌تری دارند. مهارت‌های ویژه آینده‌نگری، از جمله توان خودراهبری و تصمیم‌گیری، از فراوانی کمتری برخوردار هستند. در سند تحول، تنها در هدف ۲/۲ به خویش‌داری و انتخاب‌گری اشاره شده است، که توصیه‌های مربوط، بیشتر به حضور دانش‌آموزان در مراسم و محافل مذهبی است.

به نظر می‌رسد که در سند تحول، به‌جای پرورش مهارت‌های تفکر، تأکید بر اقناع‌سازی است؛ حتی از این واژه در هدف ۳/۶ نیز استفاده شده است. در حالت اقناع‌سازی، هدف‌گذاری و آگاهی‌بخشی به‌همراه نقش اجرایی و بازدارندگی بر عهده نهادها و عوامل بیرونی است. در این میان مخاطبان باید از آنچه که بزرگسالان برای آنها تدوین کرده‌اند، تبعیت و پیروی کنند و به‌دانش‌آموزان به‌عنوان اشخاصی منفعل توجه می‌شود، که باید تحت کنترل و هدایت مستقیم باشند. گرچه جهت مقابله با چالش‌های آینده در حوزه فناوری‌های ارتباطی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) برای مدارس پیشنهاد شده است، اما با وجود فراگیر شدن شبکه‌ها و رسانه‌های مختلف، سند تحول بر استفاده از رسانه‌های انبوه و انحصاری تأکید دارد. آنچه در این میان نادیده گرفته شده است، نقش آگاهانه و انتخاب‌گری جوانان و مجیز کردن مخاطبان به سواد رسانه‌ای است. در سند تحول، به‌طور مستقیم به اوقات فراغت اشاره نشده است. در ارتباط با اوقات فراغت، راهکارها بیشتر به شکل رسمی و به‌عنوان بخشی از برنامه‌های مدرسه ارائه شده‌اند؛ در حالی که غالباً برنامه‌های رسمی و از پیش تعیین‌شده برای اوقات فراغت مانع پرورش تخیل و خلاقیت‌ها می‌شوند.

جدول ۴: الزامات اجتماعی - فرهنگی از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا در سند تحول بنیادین

تعاملات جهانی	تکرر و تنوع فرهنگی	تعلقات اجتماعی	تحکیم خانواده	حقوق شهروندی	مهارت‌های زیست‌محیطی
۳	۲	۴	۱۶	۵	۲
۹/۳	۶/۲	۱۲/۵	۵۰	۱۶/۶	۶/۲

در مؤلفه‌های الزامات اجتماعی - فرهنگی جدول ۴، بیشترین توجه اسناد به تحکیم خانواده و حفظ این نهاد در برابر تغییرات نوع خانواده‌ها در آینده شده است، و نیمی از گزاره‌های الزامات اجتماعی به این مورد اختصاص یافته است. در سند تحول، جهت حفظ نهاد خانواده، دو هدف عملیاتی و سیزده راهکار (هدف ۴، راهکار ۱ تا ۶؛ هدف ۳، راهکار ۱ تا ۷)، به‌طور عمده، به این مورد اختصاص یافته است. مؤلفه تکثر فرهنگی و روابط بین‌الملل یا تعاملات جهانی در سند تحول، کمتر مورد توجه قرار دارد، و کوششی برای آشنایی دانش‌آموزان با ابعاد پدیده جهانی‌شدن و مفاهیم کاربردی مرتبط، از جمله صلح و دوستی و تعاملات بین‌المللی دیده نمی‌شود. فقط قسمتی که به مشارکت فعال در تعاملات بین‌المللی و مراکز علمی جهانی اشاره کرده است، به هدف ۱۱/۱، بازمهندسی تربیت معلم در سطح ملی و جهانی مربوط است. در سند تحول، گرچه در هدف ۵/۳، به نیازهای افراد و مناطق مختلف مرزها و مناطق دوزبانه اشاره شده است، ولی بیشتر بر مناطق جغرافیایی، روستایی، به هدف ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی، ایرانی و هویت ملی تأکید شده است. راهکاری که در هدف ۵/۵، در ارتباط با درس جغرافیای استان‌ها ارائه شده است، صرفاً نیاز خاصی را برطرف خواهد کرد؛ ولی برای پذیرش و قبول تکثرگرایی فرهنگی، کافی نخواهد بود. بنابراین، با توجه به چندقومیتی بودن جامعه ایران، لازم بود که در سند تحول به تنوع فرهنگی توجه بیشتری شود. همچنین در هدف ۱/۷، مصادیق تعلق اجتماعی، به شکل محدود، و فقط سرود ملی و پرچم جمهوری اسلامی را شامل شده است، و در آن، به سایر میراث‌ها و تعلقات ملی اشاره‌ای نشده است. همچنین در ارتباط با پرورش افراد مسئولیت‌پذیر و برخوردار از مهارت‌های ارتباطی و آشنا به حقوق شهروندی، راهکار روشنی در سند ارائه نشده است. در سند تحول، به توسعه روابط آگاهانه با طبیعت و محیط‌زیست، به‌طور گذرا اشاره شده است، که باید به دلیل نقش افراد در پدید آمدن مشکلات زیست‌محیطی، به این موضوع بیشتر توجه می‌شد.

جدول ۵: الزامات ساختاری از منظر رویکرد بازسازی اجتماعی آینده‌گرا در سند تحول بنیادین

فرآوانی	تمرکززدایی	انبوه‌دایی	انعطاف‌پذیری
۴	۱	۶	۶
۳۶	۹	۵۴	۵۴
درصد			

در بعد الزامات ساختاری، سیاست‌های اسناد بالادستی بیشتر بر کوچک‌سازی ساختارهای اجرایی مبتنی است. در مورد انبوه‌زدایی فقط در یک مورد - در هدف ۲۰/۷ - به نقش مدارس غیردولتی اشاره شده است، که می‌تواند تراکم مدارس دولتی را کاهش دهد. در سند تحول، بر اولویت‌بخشی به رویکرد مدیریت مجتمع‌های آموزشی و پرورشی به منظور اعمال مدیریت یکپارچه تربیتی در طول مدت تحصیلی اشاره شده است. اما این راهکار، نوعی هدایت مکان‌های آموزشی به سوی متراکم‌سازی و انبوه‌گرایی است.

در سند تحول از یک طرف بر واگذاری مسئولیت کلان تربیتی مدرسه به مدیران مدارس، تأکید شده است، از طرف دیگر به استانداردهای و تدوین شاخص‌های کیفی برای ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مدارس اشاره شده است، که این دو، با هم در تضاد هستند. اگرچه در هدف ۱۳/۲ به افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه، با

تفویض برخی از اختیارات اداره و مدرسه به آنان، با هدف تمرکززدایی اشاره شده است، اما از آنجاکه نظام آموزشی کشور به صورت متمرکز اداره می‌گردد و با توجه به ابهامی که در واگذاری برخی از اختیارات وجود دارد، این راهکار نمی‌تواند نشان‌گر سیاست تمرکززدایی در ساختارهای آموزشی آینده باشد. همچنین در سند تحول، به اصلاح نظام آموزشی کشور و بازنگری در محتوا و روش‌های آموزش، با تأکید بر انعطاف‌پذیری در تغییر ساختارها، اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در تلاش است تا با ارائه تصویری که بازسازی آینده‌گرا از آینده ترسیم می‌کند، وضعیت تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد. در این قسمت لازم است به‌طور کلی، نگاه تطبیقی به‌ویژه آینده‌گرایی و مبانی سند تحول انداخته شود. آینده‌اندیشی یا مطالعات آینده با عناوین دیگری نظیر آینده‌نگری، آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی، و نظایر آن نیز آورده می‌شود. به‌طور کلی، آینده‌نگری مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و راه‌های ممکن برای رویارویی با آینده است. در برنامه‌های آینده‌نگری سعی می‌شود با شناخت اهداف مطلوب و محدودیت‌های موجود، راهکارهای مناسبی برای حل چالش‌ها و مشکلات فراروی آینده تدوین گردد. بررسی تاریخچه این دانش نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی در دوران تسلط پوزیتیویسم بر علوم اجتماعی شکل گرفت. گارودی آینده‌شناسی را یک نظام فکری پوزیتیویستی می‌پندارد. وی منظور از پوزیتیویسم را جهانی بدون انسان می‌داند که به انسان اجازه دخالت در سرنوشت خودش را نمی‌دهد. او معتقد است که این نوع نگرش، تغییرات کیفی را فقط بر مبنای تغییرات کمی الگوهای موجود پیش‌بینی می‌کند. چنین ادراکی از جهان، به معنای لایزال شمردن نظام حاکم است. وی همچنین آینده‌شناسی را نوعی نظام جبری می‌پندارد که به انسان اجازه داده نمی‌شود درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرد (گارودی، ۱۳۷۵، ص ۶۲). در این نوع آینده‌نگری، از یک‌سو سکولار بودن مشهود است. به‌عبارتی دین و متافیزیک جایگاهی در آن ندارد، و به‌نظر می‌رسد بجز عوامل و پدیده‌های فیزیکی تجربه‌پذیر، عامل دیگری در سرنوشت انسان دخیل نیست (پوراحمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰). از سوی دیگر، به نوعی دیدگاه اومانیسیم بر آینده‌نگری حاکم است، به‌نحوی که انسان تنها عامل شکل‌بخشیدن به آینده دانسته می‌شود که مجاز است تا فعالانه نسبت به تقریر آینده‌ای دلخواه اقدام کند. این در حالی است که در فلسفه تربیت اسلامی، انسان بخشی از آفرینش است که در غایت‌گرایی از کل هستی تبعیت می‌کند و هرگونه داعیه استقلال و انفکاک هدف زندگی بشر از غایت هستی محکوم به شکست است (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۶۰). در واقع هدف اصلی این نوع آینده‌نگری‌ها، ساختن آینده‌ای مطلوب برای انسان است که نقش محوری، به دانش و فناوری داده شده است. در آینده‌نگری، تکامل و داشتن نگاه خاص به ارزش‌ها، ارتقای فناوری‌ها به امور را شامل می‌شود، و در این میان، تعالی‌خواهی و شکوفایی در جنبه‌های رشد و تعالی شخصیت دیده نمی‌شود. در اسلام هم انسان و جامعه، جایگاه مهم و برجسته‌ای دارند، و هم رسیدن انسان به اهداف متعالی در همه زمینه‌ها مورد توجه است. بنابراین، باید تلاش شود از یک‌سو بر اساس معیارهای اسلامی، و از سوی دیگر با توجه به واقعیت‌های موجود جهانی، فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب کاهش یابد. با توجه به

موارد مذکور، یکی از اصلی‌ترین نیازهای بومی‌سازی آینده‌نگری، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی است (پدرام، ۱۳۹۲، ص ۷). بنابراین، لازم است که الزامات آینده با جهان‌بینی اسلامی سازگار شود، و جهت ساخت آینده مطلوب از آموزه‌های اسلامی حداکثر بهره گرفته شود. در جامعه‌ای همچون ایران، به‌عنوان یک جامعه دین‌گرا، نهادهای تعلیم و تربیت باید بر اساس فلسفه تربیتی دینی، برنامه‌ریزی و هدایت شوند، تا امکان تحقق اهداف متعالی آن فراهم گردد (مرزوقی، ۱۳۹۰، ص ۱۱). برای ساماندهی و هدایت فرآیند تربیت در جامعه اسلامی ایران لازم است که از مبانی دینی، علمی و اجتماعی موجود بهره گرفت (مبانی نظری سند تحول، ص ۴۵). در جوامع آینده که از یک‌سو به دلیل تنوع و تغییرات پی‌درپی، رابطه انسان با اشیا و اطرافیان، کوتاه و موقتی شده است و به سمت ناپایداری خواهد رفت، و از سوی دیگر، تمایل به پایداری و برگشت به سنت‌های گذشته نیز افزایش می‌یابد (تافلر، ۱۹۷۱، ص ۳۵)، در مورد تبعیت کردن از تغییرات آینده، باید توجه داشت که در نگاه اسلامی پذیرش مقتضیات زمان باید در عرض نیازهای ثابت بشری باشد و نباید نیازهای اصلی انسان در برابر نیازهای متغیر فدا شوند و نادیده نگاشته شوند (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). یکی از چالش‌های نظام تعلیم و تربیت آینده چگونگی برقراری و توجه به این دو گرایش ثبات و ناپایداری است. لذا تعلیم و تربیت اسلامی، باید همراه با تغییرات سریع و مداوم اجتماعی آینده، گرایش به سوی پایداری و حفظ ثبات نیازهای متعالی را در جامعه و افراد آن حفظ کنید. در این میان پایبندی سند تحول بنیادین به ارزش‌های ثابت و همیشگی، سبب شده است که در زمینه ایجاد سازوکارهای لازم برای حفظ و شناخت صحیح ارزش‌های جهان‌شمول، تأکید زیادی شود. طبق تعریف مندرج در مبانی نظری سند تحول، تربیت آمادگی فردی و جمعی متریبان برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد و مراتب است (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). در همه ساحت‌های تربیتی، مؤلفه‌های تعلیم و تربیت آینده‌گرا باید در راستای رشد و تعالی، حیات طیبه، تقوا، قرب و رضوان، که اهداف غایی آفرینش انسان هستند، به کار گرفته شوند (باقری، ۱۳۹۰، ص ۵۵). در محث آینده‌نگری تعلیم و تربیت اسلامی، لازم است که نوع نگاه متفاوت‌تر باشد و مطالعات آینده، به‌خصوص در زمینه آموزش و پرورش، با نگاه بومی و سازگار با شرایط دینی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه اجرا گردد. در پایان باید گفت که در سند تحول بنیادین بر آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی و عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش‌رو در عرصه‌های مختلف و تدوین برنامه‌های آینده پژوهانه تأکید شده است. همچنین انجام مطالعات راهبردی آینده‌نگر در آموزش و پرورش و رصد دائمی شرایط محیطی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای حال و آینده، از نکات مندرج در اسناد موردنظر است. اما همچنان لازم است که در راهکارهای مندرج در سند تحول در کنار تأکید بر اصول مطلق، ماهیت و ذات انسان و هستی، به تعبیر و نوآوری‌ها نیز توجه بیشتری شود، و سند تحول نسبت به تغییرات آینده حساس و پویاتر باشد. بنابراین، انتظار می‌رود که نگاه آینده‌گرایانه در سند تحول، نسبت به زمینه‌های مختلف، از جمله فرهنگی، اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی پررنگ‌تر شود. همچنین لازم است که در سند تحول، برای تقویت چشم‌انداز آینده‌نگر و همچنین توسعه مهارت آینده‌نگری در دانش‌آموزان و معلمان، تدابیر و راهکارهایی در نظر گرفته شود.

- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
- باقری، خسرو، ۱۳۹۰، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- بذرافشان، مجتبی و دیگران، ۱۳۹۴، «جایگاه نظارت و راهنمایی در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۵، ش ۲.
- پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۲، *چستی آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن*، رساله دکتری رشته آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ☞
- پوراحمدی، محمودرضا، ۱۳۹۴، *پژوهش پیرامون آینده‌پژوهی در قرآن و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین دزفول.
- رهبی، مهدی و دیگران، ۱۳۹۴، «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات ملی*، ش ۶۱.
- سبحانی نژاد، م: نجفی، ح، ۱۳۹۶، «مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، *مطالعات ملی*، ش ۷۰.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۹۰.
- شعبانی، حسن، ۱۳۸۸، «تحلیل انتقادی منابع دروس آموزش عالی، رویکردها و چالش‌ها»، *سخن سمت*، ش ۳۱، ص ۶۴-۵۰.
- کاشانی، مجید؛ پوشنه، کامبیز، ۱۳۹۲، «تحولات و چالش‌های آموزش و پرورش در جامعه امروز»، مصاحبه منتشرشده، *کتاب علوم اجتماعی*، ش ۶۷.
- گارودی، روزه، ۱۳۷۵، *سرگذشت قرن بیستم؛ وصیت‌نامه فلسفی روزه گارودی*، ترجمه افضل وثوقی، تهران، سروش.
- گوتک، جرادال، ۱۳۸۸، *مکاتب فلسفی و آرا تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران، سمت.
- محمدی، شیرکوه و دیگران، ۱۳۹۵، «مدیریت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران: فرا تحلیلی کیفی»، *مدیریت مدرسه*، دوره چهارم، ش ۲.
- مرزوقی، رحمت‌اله و دیگران، ۱۳۹۵، «تحلیل و نقد نظری و روش‌شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال ۶، ش ۲.
- مرزوقی، رحمت‌اله، ۱۳۹۴، *نقد متدیک و تئوریک اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*، تهران، آوای نور.
- نویدادهم، مهدی، ۱۳۹۱، «الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۲۹۵.
- Barrow, R. Woods, R (2006). *An Introduction to Philosophy of Education*. Rutledge. London and New York.
- Boreus, K. Bergstrom, G (2017). *Analyzing Text and Discourse*. SAGE Publications LTD
- Cheng, Y. Ch (2011). *Toward the Third Wave School Leadership. Revisit de Investigation Educative*. 29 (2). pp. 253-275
- Dash, N (2015). *Philosophical Foundation of Education Direction Continuing Education*. Utkal University.
- Facer, k. (2011). *Learning Futures. Education, technology and social chang*. By Routledge.
- Hicks, D (2012). *The future only arrives when things look dangerous: Reflections on futures education in the UK*. *Futures*, 44 (1): 4-13

- Hsieh,H. SHanon,s (2005).Three Approaches to Content Analysis.Qualitativr Health Research, vol 15,No.9, 2995.
- James. M.E (1995). Social reconstruction through education: the philosophy, Histroy, and curricula of a radical ideal. Greenwood publishing group.
- Reichenberger, J.R (2005). Applicability of Educational Reconstruction Theory In present Day Curriculum planning. A Research paper submitted for the Master of Science Degree in Education. University of Wisconsin – stout
- Strathern,O (2007). A Brief history of the future. Endeavor Press.
- Tallent, R.M. (2007). Resources for Gifted Students Studying the Future. Gifted child today vol, 30, no 1 pp. 50-54.
- Toffler, A (1989). The thirdwave. Bantam. Book.
- _____, (1991). Power shift. Bantam books.
- _____, (1971). Future shock. Bantam book
- _____, (1974). Learning for Tomorrow: The Role of the Future in Education
- _____, (2006).Interview with Couric.k about Revolutionary Wealth. NBC universal media 2006
- _____, (2007).Reshaping learning from the Ground up.Edutopia magazine.January.2007.no.24
- Toffler, A. Toffler.H (1993).War and anti war.A Time Warner Company
- _____, (1995).Crating a new civilization. Turner Publishing Inc.Atlanta USA.
- Wan Zakaria, F (2012). Alvin Toffler: knowledge, Technology and change in future Society. International Journal of Islamic. Thought vol.1 pp. 54-61

